

ارزیابی عملکرد سازمان ملل در قبال بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردنی بحران یمن)

* علی شاکر
** امیر سیاهپوش
*** دادو فیض افرا

چکیده

بحران یمن را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های نظام بین‌الملل توصیف کرد. سازمان ملل متحد از ابتدای ناآرامی‌های کشور یمن با تکیه بر اهداف اصلی منشور حفظ صلح و امنیت جهانی، فرستادگانی ویژه بسوی این کشور گسیل داشت تا عزم جدی خود برای حل و فصل منازعات را نشان دهد. سوال اصلی این است که آیا سازمان در حل بحران‌های بین‌المللی موفق بوده است؟ مسئله یمن بعنوان نمونه‌ای از نقش سازمان ملل در حل بحران‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای پاسخ، رفتارها و تصمیمات از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ با مراجعه به اسناد و مدارک بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد رفتارها و تصمیمات سازمان ملل که شامل گسیل فرستادگان ویژه، صدور قطعنامه‌ها و انجام توافق استکهلم بود، موقفيتی نداشته و همچنان این سازمان در بحران‌های غرب آسیا و راهبردهای آن جهت برقراری صلح در کشورهای درگیر ناآرامی با شکست مواجه بوده است.

واژگان کلیدی

یمن، عربستان، سازمان ملل، بحران بین‌المللی، استکهلم.

shaker313@ymail.com

*. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه دانشگاه مفید.

amirsiahpoosh370@yahoo.com

**. استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

feizafra@chmail.ir

****. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرقدس، تهران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۲

۱۳۹۹/۰۳/۱۵

مقدمه

پیدایش سازمان ملل متحده مرهون مجموعه اقداماتی در بحبوحه جنگ جهانی دوم بود که نخستین آنها با صدور اعلامیه بین‌المللی (اعلامیه کاخ سنت جیمز) در ۱۲ ژوئن ۱۹۴۱ با هدف اصلی رسیدن به «همکاری علاوه‌مندانه ملل آزاد در جهان آسوده از خطر تجاوز» در تاریخ به ثبت رسیده است. (موسی‌زاده، ۱۳۹۵: ۹۵)

سند تصویب منشور سازمان پس از ۵۱ ماه طی تشریفاتی در کنفرانس سانفرانسیسکو مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ لازم‌اجرا شد و بدین‌ترتیب، سازمان ملل همانطورکه در بند اول از نخستین ماده منشور اهداف آن ذکر شده است، حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی را سرلوحه کار خود قرار داد. (همان: ۹۹ – ۱۰۰) سازمان براساس منشور خود و پذیرش آن توسط اعضاء اختیار دارد که با ورود به بحران‌های بین‌المللی از دو روش مسالمت‌آمیز (رایزنی‌های دیپلماتیک) و یا استفاده از قوه قهریه (ابتدا صدور قطعنامه و سپس انجام عملیات نظامی بین‌المللی) صلح را در ابعاد مختلف مستقر سازد. (اختیاری و قاسم، ۱۳۸۰: ۵۸) از زمان تاسیس سازمان ملل متحده تا سال ۲۰۱۱، شورای امنیت مجوز ۶۶ عملیات صلح‌بانی را صادر کرده است. (عزیزی، ۱۳۹۶: ۲۲۱۷)

همچنین سازمان با آغاز موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی – آفریقایی که منجر به بروز بحران‌های جدی در سطح بین‌المللی شد، با هدف تأثیرگذاری بر منازعات به نفع صلح و آرامش جهانی به منطقه ورود پیدا کرد و رفتاری متناقض را از خود به نمایش گذاشت؛ به طوری که ناظران سیاسی معتقدند سازمان گاه به حمایت از دیکتاتور یک کشور غیردموکراتیک و گاه به جانبداری از مخالفان تابعه‌دنان مسلح شده توسط برخی اعضای دائم شورای امنیت پرداخته است. (همان، ۲۲۱۲) ناارامی‌های سوریه و یمن به عنوان مهم‌ترین چالش امنیتی تهدیدکننده صلح در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ شناخته شد و در همین ارتباط، نماینده سازمان دو هفته پس از جشن کریسمس ۲۰۲۰ مدعی شد که احتمال برقراری صلح طی سال جاری در یمن وجود دارد. (UN News, 2020)

بحران یمن و چالش‌های سیاسی – اجتماعی پیش‌روی آن که امنیت در تمامی ابعاد را به خطر انداخته است، نیازمند میانجی بی‌طرف و مرضی‌الطرفین برای دستیابی به صلح را بیش‌ازپیش محسوس می‌کند و از این‌جهت، سازمان ملل متحده که هدف اصلی آن حفظ صلح و امنیت و همچنین جلوگیری از جنگ در نظام بین‌المللی است، به عنوان بازیگر کلیدی مطرح می‌گردد. (a UN، a)

دخلات نظامی بیگانگان با اسمی مختلف در پرونده یمن و کشیده شدن منازعات از درگیری مسلحه داخلي به جنگی تمام‌عيار در ابعاد فرامنطقه‌ای، مأموریت ویژه‌تری را برای سازمان ملل براساس بند

چهارم ماده دوم از فصل اول منشور مبنی بر لزوم احترام به حاکمیت و عدم بکارگیری زور بر ضد تمامیت ارضی کشورها تعریف کرد. (همان) در همین رابطه، نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در پرونده یمن حائزهای است.

قدرت‌های منطقه‌ای

۱. عربستان

باید دانست که پادشاهی عربستان را می‌توان پُرنقش‌ترین بازیگر منطقه‌ای در پرونده سیاسی یمن توصیف کرد که در جنوب خود تقریباً ۱۴۷۰ کیلومتر مرز مشترک با دولت صنعا دارد. (ریدل، ۲۰۱۹) پس از موج بیداری اسلامی و انقلاب مردم یمن در سال ۲۰۱۱، سعودی‌ها توافقی را با علی عبدالله صالح، دیکتاتور وقت یمن راهبری و نظارت کردند که به موجب آن حکومت به عبدالربه منصور هادی منتقل شد. نقش سعودی تا جایی گسترش یافت که هادی در پی خیش انقلابیون، پس از استعفا در سال ۲۰۱۵ به ریاض فراری شد و عربستان ضمن پذیرش رئیس جمهور مستعفی، وی را مأمور به پروژه جدیدی کرد که پاداش آن تأمین بودجه دولت مستعفی بود. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۴۷) عربستان در وهله نخست به قدرت رسیدن دولت انقلابی شیعه در جنوب حجاز را برتابیده و انتقال قدرت به نفع انصار الله را خطری جدی برای امنیت ملی خود قلمداد می‌کند، لذا برای تغییر معادله دست به تشکیل ائتلافی خودخواnde موسوم به اسلامی در مارس ۲۰۱۵ زد و اولین تجاوز خود بر ضد حاکمیت یمن را با عنوان «طوفان قاطعیت» مرتکب شد. (النعمی، ۲۰۱۸)

دومین علت اصلی تصمیم سعودی برای حمله به یمن در گروی انگیزه اقتصادی و سه تا چهار میلیارد بشکه از ذخایر نفت یمن بود که سعودی‌ها امیدوار بودن که میزان بیشتری از انرژی را اکتشاف کنند. چنین تحولاتی پس از آن رخ می‌دهد که ریاض در سال‌های پیش از بحران یمن نتوانسته بود میدان‌های نفتی مهم جدیدی را در داخل خاک خود اکتشاف کند. (الخلیج، ۲۰۲۰) سومین دلیل عربستان، میل سرکش برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای ارزیابی و خروج یمن از مدار سیاسی ریاض از دیگر دغدغه‌های سعودی توصیف می‌شود. درنتیجه، روی کار آمدن حکومتی مخالف عربستان در یمن، سودای رهبری ریاض بر جهان عرب و فرماندهی در شورای همکاری‌های خلیج‌فارس را با مشکل جدی مواجه می‌کند، بهخصوص آن که کشورهای عربی مانند: قطر و امارات یک‌به‌یک از چتر پدرسالارانه این کشور خارج شده‌اند. (ابوزید، ۲۰۱۸: ۲۵۳) بنابراین با طولانی شدن جنگ و کم‌اثر شدن تجاوزات به یمن، تنש‌ها میان هم‌پیمانان سعودی

بالا گرفته است و هریک منافع مستقل جدید خود در یمن را دنبال می‌کنند که در رأس آن، جدایی طلبان شورای انتقالی جنوب با حمایت امارات و نیروهای عذریه هادی وابسته به عربستان از استراتژی تعاملی به تقابلی تنزل یافتند.

ریاض تابه‌ندان مسلح که تا ۲۰۱۹ نتوانسته بود بر انقلابیون یمنی محاصره شده فایق آید، برای جلوگیری از بهار آمدن افتضاح سیاسی بزرگ‌تر در سطح بین‌المللی، حاضر به تقسیم منافع جنگ شد و در ماه اوت میلادی، توافقی را میان نیروهای در حمایت امارات و دولت مستعفی دست‌نشانده خود به امضا رساند. (دویتشه فیله، ۲۰۱۹)

۲. امارات

پادشاهی امارات متحده عربی علی‌رغم اینکه مرزهای مشترکی با یمن ندارد؛ اما با آغاز جنگ در قالب ائتلاف آل سعود، ثقل نظامی و سیاسی خود را متمرکر بر نقش آفرینی در پرونده مذکور کرد. بسیاری از ناظران سیاسی دخالت‌های ابوظبی در بحران سیاسی یمن را برخاسته از منافع اقتصادی امارات ارزیابی می‌کنند. امارات بیم آن را دارد که فعال شدن سواحل و بنادر یمن به‌ویژه بندر عدن تأثیر منفی بر فعالیت بندرهای دبی بگذارد. (الاحمدی، ۲۰۲۰)

جزایر جنجال برانگیز سقطی که از سال ۲۰۱۷ به شهرت عمومی رسید، مجمع‌الجزایر استراتژیکی است که میان دو قاره آسیا و آفریقا و در دهانه خلیج‌unden قرار دارد. این جزایر متعلق به یمن است که امارات ضمن ادعای ارتباط تاریخی، اقدام به اشغال خاک و غارت منابع نایاب آن کرده است؛ همچنین اشغالگران اماراتی با وعده رفاه و تابعیت به ساکنان سقطی، قصد رقابت با عربستان بر سر رهبری مخالفان یمن را دارند. گفته می‌شود که علت تشدید احتلالات ریاض و ابوظبی در سال ۲۰۱۹، اشغال مجمع‌الجزایر مذکور و سهم‌خواهی‌ها بر سر آن بوده است. (العریفی، ۲۰۱۹)

از طرفی، امارات متحده عربی به‌ویژه بعد از بیداری اسلامی، تحرک اسلام سیاسی را تهدیدی برای خود می‌داند و به‌واسطه مشکلات تاریخی خود با گروههای مانند اخوان‌المسلمین تلاش دارد تا اجازه ندهد در یمن حزب‌الاصلاح و دیگر احزاب اسلام‌گرا قد علم کنند. (الاحمدی، ۲۰۲۰)

۳. ایران

ابتدا باید دانست که پنج دهه روابط ایران و یمن همواره تابعی از متغیر راهبرد سیاست خارجی تهران بوده است. ایران که در دوره پهلوی، ژاندارم غرب در منطقه بود از یمن شمالی حمایت و بخشی از نظامیان خود را برای دفاع از پادشاهی عمان، همسایه یمن جنوبی (متحد شوروی) در ظفار مستقر کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یمن شمالی به رهبری علی عبدالله صالح جزو اولین کشورهایی بود که ایران را به رسمیت شناخت؛ اما پس از آغاز جنگ تحمیلی به دنباله‌روی از شورای همکاری خلیج فارس از رژیم صدام پشتیبانی کرد و در مقابل، یمن جنوبی به رهبری علی ناصر محمد به حمایت از ایران پرداخت. پایان جنگ تحمیلی مصادف با اتحاد دو یمن شمالی و جنوبی به ریاست علی عبدالله صالح بود که البته این اتفاق، تعییری در مناسبات تهران و صنعاً ایجاد نکرد. (هوشی سادات، ۱۳۹۳)

دنباله‌روی صالح از سعودی و هراس ریاض از حوثی‌ها — که آنان را به چشم دریچه نفوذ ایران به مناطق شمالی یمن می‌نگریست — منجر به شش حمله مشترک زمینی و هوایی ارتش دو کشور یمن و عربستان به این گروه شیعه در بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ شد. کشتار مظلومانه شهروندان حوثی یمن، جمهوری اسلامی ایران را به واکنش وامی‌داشت و تهران از محدود کشورهای حامی انقلاب یمن بود که همین امر، تیرگی روابط تهران و صنعاً در دوره صالح و پس از آن عبدالربه هادی را به همراه داشت. (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۶۶)

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر فصل دهم قانون اساسی، ضمن حمایت از استقلال و حاکمیت کشورها، دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش را وظیفه خود می‌داند که بدین ترتیب، می‌تواند منجر به برقراری یک حکومت اسلامی شود. (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۴۹).

حمایت تهران از حوثی‌ها و سپس جنبش انصار‌الله در یمن، براساس همین تعهد، مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت. درواقع ایران پس از خیزش اسلامی سال ۲۰۱۱ در برخی کشورهای عربی و شعله‌ور شدن خشم مردم تحت حاکمیت‌های استبدادی را بیداری اسلامی نام نهاد که یمن یکی از این موارد بود. (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۶۷)

بی‌شک، برخلاف آنچه مخالفان انقلابیون یمنی می‌پنداشند، استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی هرگز صرفاً حمایت از شیعیان نبوده و پشتیبانی ایران در تمام سطوح از سازمان‌های مبارز فلسطینی همچون حماس، مهر تأییدی بر این مدعای است. درموردنمونه مطالعاتی یمن، احزاب و گروههایی در میان انقلابیون وجود دارند که برخلاف شیعیان چهار امامی حوثی به ۱۲ امام شیعه اقتدار می‌کنند؛ ولی تهران نه تنها در صدد مطرح کردن آنان به موازات انصار‌الله برنیامد؛ بلکه بر تفضیل انصار‌الله بر تمامی احزاب مجاهد ۱۲ امامی بهدلیل پرچمداری آن جنبش در جبهه ضدصهیونیسم و استکبار جهانی تأکید ورزید و درحال حاضر، تمامی مراودات دیپلماتیک خود در عالی‌ترین سطح را با جنبش انصار‌الله به عنوان حزب حاکم و دولت رسمی یمن انجام می‌دهد.

بنابراین، نه سعودی‌ها به عنوان متجاوز اصلی به یمن نماینده اهل تسنن محسوب می‌شوند و نه

ایران در حمایت خود از مجاهدان یمنی به نگرش‌های مذهبی اولویت داده است؛ چنان‌که کلام امام خامنه‌ای مؤید نگرش جمهوری اسلامی به مسئله یمن است:

جنگ در یمن، جنگ سیاسی است، نه مذهبی؛ به دروغ می‌گویند که بحث شیعه و سنی است، در حالی که شیعه و سنی نیست. بعضی از آنها بی که زیر بمباران سعودی‌ها در یمن دارند بچه و زن و کودک شیرخوار و بیمارستان و مدرسه را از دست می‌دهند، شافعی‌اند، بعضی‌شان زیدی‌اند؛ بحث شیعه و سنی نیست، دعوا دعوا سیاسی است، دعوا سیاست‌ها است. (۱۳۹۴/۰۵/۰۶)

۴. عمان

پادشاهی عمان، همسایه شرقی یمن است که بیش از ۲۸۸ کیلومتر مربع مرز مشترک با این کشور دارد. مسقط پیوندها و روابط مشترک بسیاری با فرزندان استان‌های المهرة و سقطری دارد. این کشور از نخستین روزهای تجاوز بر ضد یمن از پیوستن به ائتلاف سعودی سر باز زد و ترجیح داد که نقش میانجی را در پرونده یمن بین ائتلاف متجاوز و انقلابیون انصارالله ایفا کند. این نکته نباید مغفول بماند که مسقط به تجزیه جنوب یمن از سوی نیروهای نزدیک به امارات و سیطره دولت ابوظبی در مناطق جنوبی کشور یمن به چشم تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌نگرد. پیش‌تر نیز عمان در سال ۲۰۱۱ اعلام کرده بود که یک گروه نفوذی وابسته به امارات‌متّحده عربی که در صدد کودتا بوده‌اند را دستگیر کرده است. (الصفاری، ۲۰۲۰ - ۵۶ - ۵۷)

باید دانست در حالی که گرایش نسبی عمان به انصارالله در سفر اوایل ۲۰۱۶ مقامات این جنبش به مسقط مورد توجه قرار گرفت و عمانی‌ها ضمن استقبال گرم از همسایه غربی خود، بسته پیشنهادی ارسال کمک‌های بشردوستانه به یمن و همچنین حمایت پزشکی از مجروحان در بیمارستان‌های خود را ارایه کرده بودند. (al-Falahi, 2016)

۵. قطر

پادشاهی قطر گرچه در آغاز تجاوزات بر ضد مردم مظلوم یمن به عضویت در ائتلاف سعودی درآمد، پس از بحران کشورهای حاشیه خلیج‌فارس با دوچه و محاصره این کشور از سوی عربستان، امارات و بحرین، راهبرد جدیدی را در این پرونده اتخاذ و از همراهی ائتلاف کناره‌گیری کرد.

قطر به پاس حمایت‌های آنکارا در مقابل تحریم‌های سعودی در ژوئن ۲۰۱۷، به تیم ترکیه پیوست و از آن زمان به عنوان دوست نیابتی تُرک‌ها در مقابل ریاض بر سر پرونده یمن وارد زمین امتیازگیری شد. دوچه ترجیح داد که به همراه متحد استراتژیک خود به حمایت از جریان

اخوانی‌الاصلاح پپردازد، تا با افزودن این ضلع به مثلث شورای انتقالی — دولت مستعفی — انصارالله، خود را در میان مربع قدرت‌های حامی طرف‌های اصلی دعوا ببیند.

گفتنی است که قطر، تجزیه جنوب یمن را تهدیدی برای خود ارزیابی می‌کند و بر این باور است که چنین اقدامی موجبات قدرت یافتن متحдан امارات را فراهم می‌سازد. این کشور همچنین به‌واسطه اقدامات رسانه‌ای و سیاسی در تلاش است، تا جایگاه عربستان و امارات در یمن را تضعیف کند؛ همین رویکرد نیز باعث افزایش چشم‌گیر پوشش اخبار انصارالله و حملات آنها به عمق خاک سعودی شد.

(الصفاری، ۲۰۲۰: ۵۷ - ۵۸)

۶. اسرائیل

تئودور هرتسل، بنیانگذار جنبش جهانی صهیونیسم نیم قرن پیش از تأسیس رژیم جعلی اسرائیل به تحقق طرح اتصال دریای سرخ به دریای مرده و از آنجا به دریای مدیترانه می‌اندیشیده و بر همین اساس، اسرائیل همواره به دنبال سیطره بر دریای سرخ و تنگه باب‌المندب بوده است. (السید، ۲۰۱۹) قیام سپتامبر ۲۰۱۴ یمن و روی‌کار آمدن مجاهدانی با شعار «الموت لاسرائیل» ترس رژیم صهیونیستی از عدم‌هیمنه بر دریای سرخ را افزون کرد. درواقع اسرائیل، تسلط انصارالله بر پایتخت و سپس بندرالحدیده و فرودگاه‌های آن را تهدیدی آشکار و مستقیم ضدامنیت ملی و امنیت دریایی خود توصیف می‌کرد. نقش اسرائیل در بحران ۲۰۱۵ یمن صرفاً محدود به تحریک مت加وزان نشده و از ماههای ابتدایی جنگ به‌وسیله سازوکارها و ابزارهای مختلفی در ائتلاف سعودی حضور مستقیم و غیرمستقیم داشته است؛ درحالی‌که در میان نقش‌آفرینی بازیگران گوناگون در پرونده یمن از رژیم صهیونیستی کمتر سخنی گفته می‌شود. ناگفته نماند که بازیگری اسرائیل شامل: مشارکت، برنامه‌ریزی، آموزش، پشتیبانی اطلاعاتی و همکاری در عملیات نظامی است. (همان)

گفتنی است که رژیم صهیونیستی دارای پایگاه‌های نظامی گوناگونی در جمهوری اریتره، کشور هم مرز با دریای سرخ است که تراکم آن در بندر ساحلی عصب بیشتر به‌چشم می‌خورد. اسرائیل در بندر مصوع واقع در ساحل شرقی اریتره نیز حضور دارد؛ گفته می‌شود که حتی جزیره‌های اطراف آن را نیز از دولت ضعیف مرکزی اجراه کرده است. (الزهاوی، ۲۰۱۹)

از سوی دیگر منابع اسرائیلی اعلام کرده‌اند که دست‌کم ۱۰۰ افسر نیروی هوایی رژیم در پایگاه ملک‌فیصل در تبوک در عربستان مستقر هستند و این پس از توافق واشنگتن و ریاض در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ به وقوع پیوست. به عبارت دیگر، نظامیان سعودی کاملاً این پایگاه را ترک و به آمریکا و رژیم صهیونیستی واگذار کرده‌اند، تا بمباران هوایی یمن را مدیریت کنند. (السید، ۲۰۱۹)

رابطه استراتژیک آل سعود و اریتره در سایه بازیگری صهیونیست‌ها بر ضد یمن، زمانی تبیین می‌شود که برخی اطلاعات از کمک‌های نظامی چشمگیر اسرائیل از بندر عصب به پایگاه خمیس مشیط در عسیر حکایت دارد. (الزهاوی، ۲۰۱۹)

قدرت‌های فرامنطقه‌ای

۱. انگلیس

ابتدا باید دانست که انگلیس نقش مهمی را در یمن با تمرکز بر نقش آفرینی سیاسی و همچنین تلاش برای ایجاد تسویه حساب سیاسی ایفا می‌کند. لندن با توجه به روابط گسترده خود با ابوظبی و ریاض به حمایت از جنگ پرداخته و مبالغ قابل توجهی را از فروش تسليحات به این دو کشور کسب کرده است. گزارش‌های متعددی منتشر شده است که از فروش میلیاردها پوند تسليحات انگلیسی به عربستان برای حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامیان پرده بر می‌دارد. (بوتینی، ۲۰۱۷)

انگلستان البته با توجه به استعمار جنوب یمن، پیشینه‌ای سلبی در یمن دارد و در سال‌های وقوع جنگ تلاش کرده است، تا با طرح راهکارهای سیاسی به ایفای نقش بپردازد، راهکارهایی که مهم‌ترین آن توافق نافرجام استکلهلم بود. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۴)

۲. آمریکا

کاخ سفید همواره مدعی آن بوده که به دنبال توقف جنگ در یمن است؛ اما در عمل به واسطه حمایت‌های گسترده سیاسی و لجستیکی خود از ابوظبی و ریاض بر آتش این قتل عام دمیده است. جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا به محمد بن سلمان، ولی‌عهد سعودی این اجازه را داد، تا به تجاوز و سرکوب بیشتر دست بزند؛ به‌گونه‌ای که پاپشاری ایالات متحده بر این راهبرد، موجب کشتار غیرنظامیانی شد که شاید برخی هیچ شعاری بر ضد دولت استکباری واشنگتن سر نداده بودند.

(Bandow, 2019) در حالی که آمریکا با موضع‌گیری‌های عوام‌فریبانه، ادعای حمایت از وحدت یمن و مخالفت با هرگونه تجزیه آن را به کمک دستگاه دیپلماسی خود اعلام می‌دارد. واشنگتن همچنین در رابطه با مبارزه با آنچه که گروه‌های تروریستی در یمن می‌خواند، دهه‌هاست که به دخالت یمن پرداخته و در آبهای منطقه‌ای آن حضور فعال دارد. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۵)

۳. روسیه

فردراسیون روسیه به عنوان میراث‌دار اتحادیه جماهیر شوروی، سابقهای طولانی در رابطه با یمن

جنوبی و شمالی دارد که بخش اعظم این نقش‌آفرینی در چارچوب نظامی تعریف می‌شود. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۶) شوروی از دیرباز بر جزایر یمنی اشرف داشت و در سایه روابط قوی خود با یمن جنوبی، چند پایگاه نظامی در مجمع‌الجزایر استراتژیک سقطی تأسیس کرده بود. (الرباعی، ۲۰۱۱: ۱۲) مسکو گرچه موضع متفاوتی از سایر بازیگران را اتخاذ کرده است و با تبدیل بحران داخلی یمن به یک جنگ تمام‌عيار فرامنطقه‌ای و روی‌کار آمدن انصار‌الله به عنوان بازیگر اصلی داخلی، این جنبش مردمی را به رسمیت نشناخت؛ اما تلاش کرد تا در قامت میانجی ظاهر شود. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۶) در همین راستا نیز سفیر روسیه آخرین سفیری بود که پس از آغاز تجاوز ائتلاف سعودی، صنعا را ترک کرد. (الاحمدی، ۲۰۱۵)

باید توجه داشت مسکو تنها دولتی بود که در آگوست ۲۰۱۹ هدف قرار دادن نیروهای عبدالربه هادی توسط جنگنده‌های اماراتی در عدن را محکوم کرد، تا با این کار ضمن تأکید بر وحدت اراضی یمنی و مخالفت با تجاوزگری، خود را بازیگری بی‌طرف در میان جناح‌بندی‌های موجود جلوه دهد. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۷)

با تمام این اوصاف، روسیه می‌داند که آینده اقتصاد دریامحور آن در گروی سرنوشت یمن و بازیگری در پرونده این بحران است و لذا پس از گذشت سه دهه از فروپاشی شوروی، مسکو همچنان به دنبال تسلط بر جزایر استراتژیک است؛ موضوعی که پس از دیدار دیوید پترائوس، سرفرازمانده‌ی وقت کل ارتش ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه، شرق آفریقا و آسیا مرکزی با صالح، دیکتاتور وقت یمن، نیروی دریایی روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد که دولت مسکو هرگز از برنامه‌های خود مبنی بر داشتن پایگاه‌های دریایی در سقطی چشم‌پوشی نکرده است. (الشرجی، ۲۰۱۷)

۴. چین

جمهوری خلق چین به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ نظام بین‌المللی به پرونده یمن از دریچه اقتصادی می‌نگردد، بهویژه آنکه عدن از نقاط جغرافیایی بسیار مهم در مسیر احیای جاده ابریشم بهشمار می‌آید. دولت پکن تلاش دارد، تا با نقش‌آفرینی بیشتر در یمن ضمن افزایش صادرات تجاری خود روابطش با کشورهای منطقه را تقویت بخشد. (الصفاری، ۲۰۲۰: ۶۷) در همین راستا نیز دولت وقت یمن توافقی را در سال ۲۰۱۳ با دولت چین در راستای بهبود بندر عدن و بهره‌برداری از آن امضا کرد. (رئاسة اليمنية، ۲۰۱۳)

باید دانست توافق پکن با دولت یمن پس از آن به امضا رسید که صنعا توافق خود با شرکت دی‌پی ورلد امارات را لغو کرد و شاید یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت ابوظبی از تجزیه طلبان شورای انتقالی

جنوب، جلوگیری از نقش آفرینی اقتصادی چین در آن منطقه بهویژه عدن باشد. (الجزیره، ۲۰۱۲) طولانی شدن جنگ یمن و محاصره غذایی و دارویی این کشور، ارمغانی جز اشاعه بیماری‌های همچون وبا و تراژدی مرگ شش کودک یمنی به ازای هر ساعت نداشت؛ وضعیتی که پای نهادهای وابسته سازمان ملل را به این پرونده باز کرد. برنامه جهانی غذا سال ۲۰۱۹ ضمن اعلام وضعیت اضطراری در یمن، اعلام کرد که میزان سوءتعذیه در بین زنان و کودکان یمنی همچنان در بالاترین رده جهان قرار دارد و بیش از یک میلیون زن و دو میلیون کودک بر اثر سوءتعذیه حاد نیازمند درمان هستند. (WFP، 2019)

بونیسف در گزارشی اعلام کرد که تا ماه چهارم سال ۲۰۲۰ میلادی، ۴۲۵۸۲ شهروند یمنی در جنگ تحمیلی پنج ساله کشته و زخمی شده‌اند که در این آمار، ۳۷۲۵ کودک و ۲۳۵۷ زن دیده می‌شود. شمار زیرساخت‌های نابودشده یا خسارت دیده شده در یمن ۸۶۱۰ مورد گزارش شده است که در این میان ۱۵ فرودگاه، ۱۶ بندرگاه، ۲۹۷ ایستگاه و ژئراتورهای برقی، ۵۲۰ شبکه و ایستگاه ارتباطی و نیز ۱۹۹۰ مخزن و شبکه آبرسانی از مدار بهره‌برداری خارج شده است. این سازمان بین‌المللی در ادامه از تخریب ۹۶۳۵۷۲ بنا در کشور خبر داده است که شامل ۱۳۳۶ مسجد، ۴۵۸۰۶۱ منزل مسکونی، ۳۸۵ بیمارستان و مرکز پزشکی، ۵۰۲۱۷۹ موسسه، ۳۵۱ کارخانه، ۸۶۶ فروشگاه و ۳۹۴ مزرعه می‌گردد. در این گزارش همچنین به انهدام ۷۸۸۵ وسایل نقلیه شامل ۲۸۶ تانکر حمل سوت، ۶۴۰۴ خودروی شخصی و عمومی، ۴۵۹ قایق ماهیگیری و ۷۳۶ کامیون حمل غذا اشاره شده است. (سبوتنيك، ۲۰۲۰)

نتیجه پنج سال تجاوز به کشور یمن (از مارس ۲۰۱۵ تا آوریل ۲۰۲۰)

انسانی	کشته ۴۲۵۸۲ و زخمی	مشخصه	۳۷۲۵ کودک	۲۳۵۷ زن	زیرساخت
تخریب مورد	۸۶۱۰	فرودگاه ۱۵	ایستگاه برقی ۲۹۷	بندرگاه ۱۶	
تخریب مورد	۹۶۳۵۷۲	مرکز درمانی ۳۸۵	ایستگاه ارتباطی ۵۲۰	شبکه آب رسانی ۱۹۹۰	بنا
انهدام مورد	۷۸۸۵	کارخانه ۳۵۱	موزه ۵۰۲۱۷۹	مسجد ۱۳۳۶	نقليه
انهدام مورد	۲۸۶	خودرو ۶۴۰۴	قایق ۴۵۹	فروشگاه ۸۶۶	حمل غذا ۷۳۶ کامیون

در چنین وضعیتی، نقش آفرینی مثبت و منفی سازمان در پرونده یمن همچون تابعی از محور سینوس بر دایره بحران این کشور بوده است و در اینجا، این مسئله مطرح می‌شود که سازمان ملل چه کارنامه‌ای را در رفع بحران این کشور کسب کرده است؟ در ارتباط با این موضوع، مقاله‌ای با عنوان «جایگاه میانجی‌گری مبتنی بر اخلاق سازمان ملل متعدد در بحران‌های سوریه و یمن» (احرامی، توکلی و جلالیان، ۱۳۹۷) به رشته تحریر آمده است که ضمن نگاه سازه‌انگارانه و ایدئولیستی با گستره‌ای تحقیقاتی به وسعت دو کشور، نقشه‌راهی برای حل منازعات سوریه و یمن توسط این سازمان ارایه می‌نماید.

دیگر پژوهش نزدیک به موضوع مقاله حاضر، «بررسی بحران یمن: تحولات، ریشه‌ها، بازیگران و راهکارهای موجود برای اتمام بحران»، (کشیشیان و سهیلی، ۱۳۹۸) است که با بررسی ریشه‌های بحران این کشور و میزان نقش آفرینی بازیگران دولتی و غیردولتی، سناریوهای آینده را پیش‌بینی می‌کند. با پیشینه بیان شده، مطالعه بحران یمن و بررسی همه‌جانبه عملکرد مهم‌ترین بازیگر غیردولتی — که بیش از تمامی بازیگران موجود ارتباط مستمر با مقامات عالی طرفین دعوا دارد — ضرورت انجام پژوهش را به وجود می‌آورد.

بنابراین با نگاهی به درگیری‌ها در یمن و بازیگری سازمان بین‌المللی ملل‌متعدد، عملکرد آن را می‌توان در سه بخش مورد نقد و بررسی قرار داد که نگارنده در تلاش است، تا کارنامه سازمان را با تحلیل رفتارهای آن در «صدور قطعنامه‌ها»، «فرستادگان ویژه» و «تواافقات» ارزیابی نماید.

تأثیر قطعنامه‌های شورای امنیت در حل بحران

گفتنی است از زمان آغاز انقلاب یمن در سال ۲۰۱۱ بر ضد علی عبدالله صالح که سه دهه در رأس حکومت بود، شورای امنیت سازمان ملل ۱۲ قطعنامه در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۴، ۲۰۱۲، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به ترتیب به شماره‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۱، ۲۰۵۱، ۲۱۴۰، ۲۲۰۴، ۲۲۱۶ و ۲۲۶۶ صادر کرد. (OSESGY) صدور قطعنامه‌ها در برده‌ای اتفاق افتاد که ارتش یمن بین حکومت و انقلابیون تقسیم شد و درنتیجه درگیری‌های پراکنده داخلی، جای خود را به جنگ داخلی دادند.

درواقع اوج گیری بحران یمن در سال ۲۰۱۱ ریشه در تنش‌ها و بحران‌های عمیق این کشور داشت که از سال ۲۰۰۴ به بعد، شدت بیشتری یافته بود. «جنگ‌های شش‌گانه دولت و حوثی‌های زیدی در شمال یمن»، «ورود عربستان به جنگ ششم و منطقه‌ای شدن بحران داخلی»، «تحرک جدایی‌طلبان حراك برای تجزیه مناطق جنوبی یمن» و «افزایش دامنه فعالیت القاعده در یمن» موجب تضعیف ثبات، به خطر افتادن امنیت سیاسی و اجتماعی یمن و به تبع لزوم تغییر ساختار آتی

سیاسی کشور شد که شورای امنیت طی این هفت سال هیچ قطعنامه‌ای را در راستای برقراری صلح و حفظ امنیت جهانی صادر نکرد. (دولتخواه و شفیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۲)

دیرکل وقت سازمان ملل در آوریل ۲۰۱۱ اقدام به انتخاب نماینده‌ای ویژه برای حل و فصل بحران یمن کرد که مخالفت صالح برای کناره‌گیری از قدرت به صدور اولین قطعنامه در اکتبر ۲۰۱۱ به شماره ۲۰۱۴ انجامید و در آن بر لزوم انتقال فراغی و سازمان یافته قدرت تأکید شده بود. (UN، 2011)

خاستگاه این قطعنامه راهکار خلیجی بود که سازمان ملل و شورای همکاری خلیج‌فارس به عنوان طرف‌های حاضر در آن مشارکت داشتند و بر مبنای آن از صالح خواسته شده بود تا صلاحیت‌های خود را به عبدالربه منصور هادی، معاون خود تقاضی کند و ۹۰ روز به عنوان رئیس جمهور تشریفاتی به کار خود ادامه دهد، تا دولت وحدت ملی یمن تشکیل شود. (الشربینی، ۲۰۱۹)

هادی از فوریه ۲۰۱۲ سکاندار دولت یمن شد و قرار بود که به مدت دو سال این امر ادامه پیدا کند؛ اما بنا به شرایطی که یمن با آن دست‌و پنجه نرم می‌کرد، جمال بن عمر، نماینده ویژه سازمان ملل، دوره انتقالی را به مدت نامعلومی تمدید کرد. در آن برهه، این مسئله با مخالفت‌های بسیار مواجه شد و طرف‌های مختلفی از قبیل انصار‌الله یمن و حزب کنگره مردمی واپسی به صالح، چنین اقدامی را غیرمشروع خواندند.

موضوع یادشده به همراه عملکرد ضعیف عبدالربه هادی و همچنین ناکارآمدی اش در اداره امور، اعتراضات مختلفی را در برداشت که در زهایت به افزایش تنشی‌ها و کنترل صنعا و دیگر شهرهای یمن به دست انصار‌الله و سایر گروه‌ها منجر شد و در کوران اعتراضات، هادی استغایش را اعلام کرد. پسازان بود که سازمان ملل دو قطعنامه پیاپی درخصوص یمن صادر کرد، قطعنامه شماره ۲۰۱ که در ۱۵ فوریه ۲۰۱۵ صادر و در آن بر لزوم عقب‌نشینی انصار‌الله از مراکز حکومتی تأکید شده بود و آنها را به مشارکت در گفت‌وگوهای صلح فرامی‌خواند و همچنین قطعنامه ۲۰۴ که تحریم‌هایی را بر ضد برخی شخصیت‌های یمنی که آنها را کودتاچی می‌خواند، وضع کرد.

دومینوی قطعنامه‌ها به اینجا ختم نشد و با صدور قطعنامه ۲۱۶، یمن به طور رسمی ذیل بند هفتم شورای امنیت قرار گرفت. این قطعنامه با سکوت درمورد حمله نظامی عربستان به یمن و عدم درخواست برای متوقف کردن بمباران این کشور، از عبدالربه منصور هادی به عنوان رئیس جمهور مشروع یمن یاد کرد. (همان)

قطعنامه‌های شماره ۲۰۵۱، ۲۰۵۱، ۲۱۴۰، ۲۲۰۴، ۲۲۶۶، ۲۳۴۲، ۲۴۰۲، ۲۴۵۱، ۲۴۵۲ و ۲۴۸۱ نیز به ترتیب بر «انتقال کامل و فوری قدرت سیاسی به هادی و امکان وضع تحریم در صورت امتناع»،

«حمایت از گفتگوهای ملی و مجددًا لزوم انتقال کامل و فوری قدرت سیاسی به هادی و قرار گرفتن ذیل بند هفتم در صورت امتناع»، «تمدید فعالیت کمیته تحریم به مدت یک سال»، «تمدید انسداد اموال و ممنوعیت سفر بر ضد تهدیدکنندگان ثبات و عملیات انتقال قدرت یمن با عطف بر قطعنامه ۲۱۴۰»، «تمدید ممنوعیت اسلحه و سفر و همچنین انسداد دارایی‌های متعلق به اشخاص تعیین شده توسط کمیته به موجب قطعنامه شماره ۲۱۴۰ تا فوریه ۲۰۱۸»، «تمدید تحریم سفر، اسلحه و دارایی‌های مالی در حق تهدیدکنندگان صلح و امنیت در یمن»، «تأیید توافق استکهم و دعوت طرفین به رعایت کامل آتش‌بس در الحدیده»، «ایجاد هیئت سیاسی ویژه برای حمایت از توافق الحدیده» و «تمدید مأموریت هیئت سازمان ملل در حمایت از توافق الحدیده تا ۱۵ ژانویه سال ۲۰۲۰» تأکید می‌کند. (OSESGY) مهم‌ترین قطعنامه شورای امنیت را باید قطعنامه شماره ۲۲۱۶ خواند و آن را پایه و اساس ادامه تجاوز سعودی به یمن توصیف کرد؛ چراکه به هادی مشروعيت سیاسی بخشیده شده بود و درنتیجه ریاض ادعا کرد که حملات همه‌جانبه ائتلاف بنا به درخواست ریس جمهور مشروع آن انجام پذیرفته است. این در حالی است که محاصره یمن توسط عربستان، در حدواندازه جنایت‌های جنگی بوده و شورای امنیت با احکام صادره به همراهی آمریکا، انگلیس و فرانسه با نسل کشی ائتلاف وجهه قانونی بخشیده است. (Meggle, 2019)

قطعنامه یادشده هیچ نسبتی با تحولات یمن نداشته و تنها به پوششی برای جنگ طلبان و سرپوشی بر حملات غیرانسانی سعودی برای دستیابی به منافع سیاسی خود تبدیل شده است که البته راه را نیز بر مذاکرات بین صنعاً و عدن مسدود کرد. درواقع، قطعنامه مذکور نیاز به بازنگری جدی دارد و دراین‌رابطه، شورای امنیت باید اقداماتی را دراستای صدور قطعنامه‌ای جدید به منظور اتمام جنگ و

شكل‌گیری گفتگوهای جدی به دور از تهدیدها و دخالت‌های خارجی مبنول دارد. (نووار، ۲۰۱۹)

رفتار غیرمستقل سازمان ملل در صدور قطعنامه ۲۲۱۶ با لایبی کشوری که ضلع اصلی بحران و عدم دستیابی به صلح در یمن است در اینجا متوقف نمی‌شود و بان‌کی‌مون، دبیرکل وقت آن تحت فشارهای اعمالی نام عربستان را مدتی کوتاه پس از قرار دادن در لیست‌سیاه خارج کرد؛ ماجرایی که می‌توان از آن به عنوان رسوبی تمام‌عیار یاد نمود. (الرمیمه، ۲۰۱۷)

مسئله بی‌طرفی این سازمان بین‌الدولی، لازمه میانجی‌گری میان طرفین دعوا است؛ ولی عقب‌نشینی‌های این‌چنینی و رفتار جانبدارانه نسبت به چشم‌پوشی از قتل عام ده‌ها‌هزار زن و کودک غیرنظمی پس از آنچه که تهدید ریاض به قطع کمک‌های صدها میلیون دلاری گفته می‌شود؛ اقتدار و استقلال سازمان ملل متحد را به ورطه سقوط کشاند. (ناصر، ۲۰۱۷)

از دیگر سو، یمن به میدانی برای نزاع قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است؛ به نحوی که هریک تلاش دارند، تا نیرو و اراده خود را بر ضد منافع ملت یمن تحمیل کنند. بحران تبدیل به پروسه‌ای طولانی شده و شورای امنیت را نیز به بازیچه قدرت‌های بین‌المللی مبدل کرده است؛ مسئله‌ای که شورای امنیت را از بازیگری برای حل بحران - چه از طریق مسالمت‌آمیز و چه به‌واسطه اقدام نظامی از سوی ائتلاف - ناتوان کرده است. (الحسنی، ۲۰۱۷)

دستاورد ۱۲ قطعنامه سازمان ملل طی ۱۰ سال بحران اخیر یمن، سلبی ارزیابی می‌گردد و غایت اقدام شورای امنیت مبنی بر قرار دادن پرونده یمن ذیل فصل هفتم نیز صفحه‌ای از کتاب بحران آن را حل نکرد. همانطور که جمال بن عمر فرستاده ویژه سازمان ملل در آغاز جنگ یمن نیز تأکید کرده بود، محاصره یمن به بهانه نرسیدن سلاح به انصار‌الله، بحران را تشید خواهد کرد و اکنون پس از سال‌ها، محاصره غذایی و دارویی و حملات همزمان زمینی، دریایی و هوایی بر این ادعا صحه می‌گذارد. این درحالی است که سازمان ملل در بیانیه‌ای اعلام کرد که درصورت تدوام جنگ یمن تا سال ۲۰۲۲، پیش‌بینی می‌شود که به فقیرترین کشور جهان تبدیل شود و ۸۰ درصد از مردم آن زیرخط فقر قرار گیرند. (یوروپیوز، ۲۰۱۹)

دستاورد فرستادگان سازمان ملل

سازمان ملل براساس بند اول ماده ۳۳ از فصل ششم منشور با عنوان حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، سه فرستاده ویژه که جداگانه با حکمی از سوی دبیرکل وقت، مأمور به میانجی‌گری شده بودند، به یمن عزیمت داد. (UN, b)

فرستادگان پس از آغاز تجاوز ائتلاف سعودی که با مشارکت فعال کشورهایی از قبلی: امارات، قطر، بحرین انجام شده بود، تلاش کردند تا راهکار جدیدی را برای حل و فصل بحران یمن و پایان دادن به جنگ خانمان براندازی که هر روز وضعیت را پیچیده‌تر می‌کرد، ارائه دهند؛ اما دشواری‌های موجود در این میان به طور عمده بن‌بستی سیاسی را برای آنان به ارمغان آورد. درادامه کارنامه هریک از فرستاده‌های ویژه سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. جمال بن عمر

بن عمر در سال ۲۰۱۲ از سوی بان‌کی‌مون، دبیرکل وقت سازمان ملل به عنوان فرستاده ویژه در یمن معرفی شد. او که در راستای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت ایفا نقش کرده بود، به فاصله ۲۰ روز پس از آغاز جنگ یمن استعفا کرد. (الیافعی، ۲۰۱۹)

در این راستا، بسیاری از ناظران سیاسی فشارهای سعودی را دلیل اصلی کناره‌گیری این دیپلمات مغربی از سمت خود بر شمردند. وی در این خصوص تصریح کرده بود که طرح سازمان ملل مبنی بر تداوم مذاکرات صلح یمن می‌توانست به عنوان مدلی برای رفع بحران در کشورهای عرب بعد از بهار عربی تبدیل شود؛ اما مداخله نظامی عربستان در یمن به این روند پایان داد. من در این مذاکرات نقش میانجی را ایفا کردم و این مذاکرات به توافقی برای تشکیل دولتی دموکراتیک در یمن هم منجر شد. مشکل اصلی در یمن در واقع پس از اتمام گفتگوی ملی در آغاز شد. (روسیا الیوم، ۲۰۱۵)

۲. اسماعیل ولدالشیخ احمد

بان کی مون در تاریخ ۲۵ آوریل ۲۰۱۵ به طور رسمی از انتخاب اسماعیل احمد به عنوان فرستاده دوم سازمان ملل خبر داد. کارنامه ولدالشیخ در یمن را به هیچ وجه نمی‌توان مثبت ارزیابی کرد؛ وی که در مذاکراتی از قبیل ژنو یک و دو و همچنین گفت‌وگوهای کویت حضور داشت، نتوانست در هیچ یک از مذاکرات دو طرف گفت‌وگو را برای دستیابی به توافق ترغیب کند. در سال ۲۰۱۷ و همزمان با مأموریت او، ۹ جلسه نظارت و مشاوره در شورای امنیت برگزار شد که به جز تمدید نظام تحریمهای قطعنامه ۲۳۴۲، قطعنامه دیگری صادر نشد. تمام این مسائل دست به دست هم داد، تا این دیپلمات موریتانیایی استعفای خود را در ژانویه ۲۰۱۸ تقدیم دیرکل کند. (الیافعی، ۲۰۱۹)

۳. مارتین گریفیتس

در پی استعفای اسماعیل احمد، شورای امنیت سازمان ملل با رأی مثبت تمامی اعضاء در هجدهم فوریه ۲۰۱۸، با تعیین مارتین گریفیتس به عنوان سومین فرستاده ویژه در یمن موافقت کرد. (بی‌بی‌سی، ۲۰۱۸) تعیین این دیپلمات ارشد انگلیسی را می‌توان نفسی تازه در جان مذاکرات یمنی که به مدت دو سال و نیم با توقف مواجه شده بود، توصیف کرد و در این راستا، مذاکرات گوناگونی را با طرفین درگیر و نمایندگان کشورهای مؤثر در مذاکره مانند: عربستان، امارات، کویت، عمان، سوئد، سوئیس، آلمان، روسیه به انجام رسانید. (القطاطانی، ۲۰۱۹) در میان خلف‌وعده‌های سازمان ملل در برخه مسئولیت گریفیتس و عدم تحقق موضوعاتی همچون بازگشایی فرودگاه صنعا و ایجاد پل هوایی بشرط‌دانه پژوهشی که دیپلمات کارکشته انگلیسی را مجبور به سکوت کرده است. (المسیره، ۲۰۲۰) توافق استکهلم را باید مهم‌ترین دستاورده فرستاده ویژه سازمان ملل دانست که نهایتاً در اواخر ۲۰۱۸ میان طرفین یمنی به امضای رسید. (UN News، 2018)

باید توجه نمود که عملکرد سه فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن کاملاً متفاوت از یکدیگر

بوده است؛ بهطوری که باید فرستاده موریتانيا بیانی را ناکارآمدترین و همتای انگلیسی آن را نمونه‌ای کارآمد در امر میانجی‌گری توصیف کرد. درواقع گریفیتس دستیابی به توافقی را هموار کرده است که در صورت پاییندی واقعی طرفین و حمایت بی‌طرفانه نهاد میانجی، نقطه عطفی در کارنامه این سازمان بین‌الدولی در امور یمن خواهد بود، شروطی که تا بدین لحظه محقق نشده است.

توافقات حاصله

توافق «استکلهلم» تنها توافق دوجانبه بین دولت نجات ملی و مستعفی با نقش مستقیم سازمان ملل متحد است که سوئد در همین رابطه از ششم تا سیزدهم دسامبر ۲۰۱۸ تا حصول نتیجه، میزبان نمایندگان یمنی بود. توافق یادشده، سه تمهد را شامل می‌شد که طرفین بر آن اتفاق کردند: آتش‌بس در الحدیده و بنادر آن از قبل: الحدیده، الصليف و رأس عیسی، مبادله اسرا و اعلام تفاهمات درخصوص تعز.

مهم ترین قسمت توافق مربوط به شهر استراتژیک الحدیده است که در ضمیمه توافق، ۱۴ تعهد مورد امضای طرفین قرار گرفت. سرفصل اصلی تعهدات عبارت است از: آتش‌بس فوری، کیفیت آرایش مشترک نیروهای مستقر در الحدیده به مناطقی در خارج از آن، جمع‌آوری تمامی مظاهر نظامی، تشکیل کمیته هماهنگی جابجایی نیروها با نظارت دو طرف، راهاندازی مکانیزم راستی‌آزمایی و بازرسی سازمان ملل درخصوص یمن، کنترل درآمدهای مالی حاصل از بنادر با نگهداری آن در بانک مرکزی کشور و عهده‌گیری تأمین امنیت این شهر ساحلی توسط نیروهای محلی.

(OSESGY، 2018 و أخبار الأمم المتحدة، ۲۰۱۸)

بدون درنظر گرفتن اعلام خروج رسمی دولت مستعفی یمن از معاهده سوئد پس از دومین سالگرد حصول توافق و اعلام پاییندی یک‌جانبه انقلابیون برای اثبات حسن نیت به مذاکرات دستیابی به صلح، بی‌ثمر بودن بخشی از تلاش‌ها برای عملیاتی کردن تئوری استکلهلم، معلول دو مجموعه علل داخلي و خارجي است: در بعد خارجي علت نقض توافق، باید به حملات مستمر ائتلاف موسوم به اسلامی با رهبری عربستان اشاره کرد که تنها با گذشت کمتر از یک هفته از زمان اجرای تعهدنامه توسط طرفین یمنی، الحدیده را در بامداد ۱۸ دسامبر بارها به دلایل واھی بمباران کرد.

(المیادین، ۲۰۱۸)

عدم تبیین دقیق کمی و کیفی بندهای توافق استکلهلم توسط تنظیم کننده آن (سازمان ملل) نیز علل داخلي را نمایان می‌سازد؛ بندهایی که دقیقاً مقصود از «نیروهای محلی» برای تأمین امنیت

الحدیده و «بانک مرکزی» برای انباشت درآمدهای مالی از بنادر آن را مشخص نکرده بود و از سوی دیگر، وابستگی انجام تعهدات در موضوع تغز به تشکیل کمیته مشترک الحديده، اجرای شدن دو تعهد از تعهدات سه‌گانه را به بن‌بست کشاند و همین مسئله مرگ تدریجی تنها توافق سازمان پس از سال‌ها مذکور و گفتگو را رقم زد. (مرکز صنعت، ۲۰۱۹)

البته اختلافات میان دولت نجات ملی و مستعفی یمن محصور به اشکالات ذاتی بندهای توافق نمی‌شد و اقدامات کارشناسانه در مباحثی مانند: آرایش نیروهای نظامی در خارج الحديده و تبادل اسراء، شعله آتش اختلافات را گسترش‌تر کرد. (أحمد، ۲۰۱۹)

نتیجه

ارزیابی کارنامه ورود سازمان ملل متحد به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سازمان بین‌المللی به پرونده یمن در ۲۰۱۱ تاریخی غرب آسیا و شمال آفریقا، نیازمند بررسی رفتار و تصمیمات بازیگرانه آن در ژئوپولیتیک پیچیده این کشور است.

بحران یمن گرچه در ابتدا یک درگیری داخلی نهایتاً منجر به مسلحانه قلمداد می‌شد؛ اما به تدریج با حضور بازیگران منطقه‌ای و فرماندهی‌های برای رسیدن به منافع شخصی، معادلات را پیچیده‌تر و روند تحقق صلح را در هاله‌ای از ابهام فرو برد؛ رخدادی که علاوه بر باران گلوله و موشک، ارمغانی جز محاصره غذایی و دارویی، فقر، گرسنگی، شیوع بیماری‌های خطروناک و تهدیدات بهداشتی را در پی نداشته است. همچنین قطعنامه‌های بسیاری که تا ژوئن ۲۰۲۰، ۱۲ مورد صادر شده است، مهم‌ترین واکنش سازمان به این بحران و ابلاغ قطعنامه ۲۲۱۶ با لابی‌گری شورای همکاری خلیج‌فارس در سال ۲۰۱۵ مبنی بر قرار گرفتن پرونده یمن ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد تأثیرگذارترین آن بوده است.

قطعنامه یادشده با مشروع خواندن دولت هادی، حمایت ائتلاف از دولت مستعفی مشروع را دستمایه‌ای برای انجام حملات همه‌جانبه به مردم و زیرساختمانی یمن کرد که تنها هدف آن کسب جایگاهی در معادلات قدرت منطقه توسط ریاض و هم‌پیمانانش بود. قطعنامه‌های صادره از آن جهت ناموفق بود که همواره با وضع تحریم‌های فلچکنده جدید، حلقه محاصره یمن را تنگ‌تر و کمکرسانی‌های انسان‌دوستانه را غیرمحتمل‌تر می‌کرد.

گفتنی است سازمان ملل را در دو موضوع فرستادگان ویژه و توافقات می‌توان مورد بررسی قرار داد که رهاوید مثبت هر دوی آن به گریفیتس، دیپلمات انگلیسی متنه‌ی می‌گردد. سازمان درمورد عملکرد سه فرستاده خود عملکرد قابل دفاعی ندارد و دو دیپلمات نخست نیز با تقدیم استعفا جای

خود را به میانجی جدید دادند. توافق استکهلم به عنوان تنها موفقیت مكتوب این سازمان با میانجی‌گری گریفیتس در راستای نشاندن طرفین یمنی بر سر میز مذاکره و تعهد دولت نجات ملی و مستعفی برای توافقاتی بر سر شهر استراتژیک الحدیده، شهر تعز و تبادل اسرا نیز با کارشنکنی‌های عربستان و اعلام خروج رسمی دولت هادی به تکمای کاغذ خط خورده مبدل گشت که دلدادگی سازمان به کمک‌های اقتصادی ریاض و حمایت حکام سعودی از هادی، فعال‌سازی ضمانت اجرایی برای تنبیه تهدیدکنندگان صلح در یمن را منتفی ساخت.

درنتیجه رفتارها و تصمیمات سازمان ملل که گسیل فرستادگان ویژه، صدور قطعنامه‌ها و انجام توافق استکهلم بود، نمی‌توان موفقیت چندانی را بر آن متصور شد که همچنان دومینوی بازیگری این سازمان در بحران‌های غرب‌آسیا و راهبردهای آن در جهت برقراری صلح در کشورهای درگیر نا‌آرامی یکی پس از دیگری با شکست مواجه می‌گردد؛ شکستی که مارک لولوک، معاون وقت دبیرکل سازمان، در سال ۲۰۱۸ پیش‌بینی کرده بود. درواقع، مهم‌ترین علت عدم موفقیت سازمان ملل متحده وابستگی اقتصادی آن به کشورهای مرتع عربی حوزه خلیج فارس (عربستان به‌طور خاص) و نفوذ سیاسی بازیگران تأثیرگذار دولتی بلوک غرب (آمریکا به‌طور خاص) ارزیابی می‌شود که این مهم‌مانعی دربرابر تصمیم‌گیری مقندر و مستقل سازمان برای مقابله با چالش‌های پیش‌روی حفظ صلح و امنیت جهانی است.

در مجموع می‌توان گفت کارنامه سازمان به دلایلی که ذکر شد، نه تنها قابل دفاع نیست؛ بلکه با رویکرد یک‌جانبه و نگاه وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر و اذنا ب منطقه‌ای آن اسباب طولانی شدن بحران یمن و تعمیق بیشتر فاجعه را فراهم ساخته است. کارنامه سازمان ملل در بحران یمن به تعبیر امام خامنه‌ای یکی از ننگ‌بارترین دستاوردهای این سازمان است:

یک قطعنامه سازمان ملل، شورای امنیت منتشر کرد که جزو ننگ‌آمیزترین قطعنامه‌های سازمان ملل است که فراموش نمی‌شود. به جای اینکه بمباران کننده را محکوم کند، بمباران‌شونده را محکوم کرد! این‌ها لیبرال‌اند، لیبرالیسم یعنی این! (بيانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رمضانی با جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰)

اگر سازمان ملل حقیقتاً می‌خواهد به حل بحران کمکی کند، باید شروطی را مراعات کند: اول؛ پای‌بندی به منشور در عدم صدور احکام جانبدارانه و جلوگیری از ادامه تجاوزات و نقص حاکمیت یمن امری اجتناب‌ناپذیر است که با تحقق این مهم، تحریم‌های صادره در شأن یمن و

محاصره همه‌جانبه آن لغو و از دخالت طرف‌های خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تمامی ابعاد که در رأس آن ائتلاف تجاوزگر عربی قرار دارد، ممانعت خواهد شد.

دوم؛ مذاکرات یمنی – یمنی با ناظرات بی‌طرفانه سازمان ملل میان طرف‌های اصلی دعوا اعم از انصار الله، دولت مستعفی و شورای انتقالی جنوب در فضای آتش‌بس صورت پذیرد، تا طرف‌های درگیر بر مشارکت همه‌جانبه یمنی‌ها در یک نظام پارلمانی با برگزاری انتخاب و تقسیم قدرت میان سه حزب اصلی در جایگاه‌های ریاست پارلمان، ریاست جمهوری و نخست‌وزیری به تفاهم برسند.

به عقیده نگارنده درصورت عدم تفاهم بر سر مشارکت طرف‌های درگیر در نظام پارلمانی، چهار سناریو در یمن محتمل خواهد بود: نخست آنکه جنگ یمن به تجربه جنگ فلسطین در سال‌های نامعلوم طولانی مدت منجر شود و یا با ادامه جنگ، انصار الله در سالی نامعلوم به پیروزی نهایی برسد که در غیراین صورت‌ها، کشور با گزینه‌های تجزیه و یا سیستم حکومتی فدرال پیوسته مواجه خواهد شد و هردو سناریوی اخیر به سود عربستان برای تأمین امنیت مرزهای جنوبی خود از تیررس انصار الله و امارات متحده برای ایجاد حکومتی دست‌نشانده و تعییر رؤیای دیرینه خود مبنی بر بازیگری در میان قدرت‌های منطقه‌ای است؛ منافعی که باید حضور استعمارگرانه آمریکا و انگلیس در سرتاسر یمن را با اهدافی مانند استخراج انرژی، سلطه بر مسیر اقتصاد دریایی، اشغال جزایر استراتژیک، تسلط بر باب‌المندب و طراحی فتنه‌های جدید برای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی به آن افزود.

منابع و مأخذ

١. ابوزید، احمد، ٢٠١٨م، *العلاقات اليمنية الخليجية، الأخوة الأعداء*، قاهره، العربي.
٢. احرامي، سجاد و على توكلی طبی و عسکر جلالیان، ١٣٩٧، «جایگاه میانجی گری مبتنی بر اخلاق سازمان ملل متحد در بحران‌های سوریه و یمن»، *فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی*، ش ٣٢، ص ٥-١٦.
٣. أحمد، عبدالله، ٢٠١٩م، «الأزمة اليمنية هل تعود الحياة لاتفاق ستوكهولم في ٤٢٠٢٠»، قناة الأناضول، ٢٠١٩/١٢/٢٣.
٤. الاحمدی، عادل، «روسيا تبحث عن أدوار سياسية في اليمن»، الموقع الرسمي لقناة العربية الصهيونية، ٢٠١٥/١١/٢٠.
٥. الاحمدی، محمد، ٢٠٢٠م، «الإمارات في اليمن: من دعم الشرعية إلى تقويض ملامح الدولة»، مركز الجزيرة للدراسات، ٢٠٢٠/٠٤/٢٨.
٦. أخبار الأمم المتحدة، ٢٠١٨م، «ختنام المشاورات اليمنية: اتفاقات حول الحديدية وتعز وتبادل الأسري»، ٢٠١٨/١٢/١٣.

٧. بختیاری، دانش و محمد قاسم، ١٣٨٠، «عملکرد سازمان ملل در بحران افغانستان»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ش ٣ و ٤، ص ٥٧-٦٦.
٨. بوتیتی، یاسین، ٢٠١٧م، «صحيفة تكشف دور بريطانيا في حرب السعودية باليمن»، قناة روسيا اليوم، ٢٠١٧/١١/٢٧.
٩. بی.بی.سی، ٢٠١٨م، «من هو المبعوث الأممي الجديد إلى اليمن؟»، ٢٠١٨/٠٢/١٦.
١٠. الحسني، أحمد محمد عبدالله ناصر، ٢٠١٧م، «قرارات مجلس الأمن ودورها في حل الأزمة اليمنية»، *مجلة العلوم السياسية والقانون*، العدد الثاني، ص ٢٥٦-٢٦٩.
١١. الخليج، ٢٠٢٠، «سر أطماع السعودية والإمارات.. تعرّف على ثروة اليمن النفطية»، ٢٠٢٠/٠٢/٢٠.
١٢. دولت خواه، زهرا و نوذر شفیعی، ١٣٩٦، «دکترین مسئولیت حمایت: تبیین رویکرد قدرت‌های بزرگ در قبال بحران‌های لیبی و یمن»، *فصلنامه راهبرد*، سال ٢٦، ش ٨٤، ص ١٠٩ - ١٣١.
١٣. دویتشه فیله، ٢٠١٩م، «التوقيع على اتفاق الرياض بين حكومة هادي وانفصالي الجنوب»، ٢٠١٩/١١/٠٥.
١٤. الرابعة، خالد، ٢٠١١م، *الجغرافیا السیاسیة: دراسة تطبيقية على الجمهورية اليمنية*، امان: دار جليس الزمان.
١٥. الرمیمه، حبیب، ٢٠١٧م، «سقوط الأمم المتحدة في اليمن»، *صحيفة رأي اليوم*، ٢٠١٧/٠٦/١٧.
١٦. روسیا اليوم، ٢٠١٥م، «بن عمر: اليمن كان قریباً من اتفاق سياسي عشية عاصفة الحزم»، ٢٠١٥/٠٤/٢٨.
١٧. ریدل، بروس، ٢٠١٩م، «المملكة العربية السعودية وال الحرب الأهلية ضمن حرب اليمن الأهلية»، معهد بروکنجز الدوحة، ٢٠١٩/٠٨/١٥.
١٨. الزهاوی، احمد، ٢٠١٩م، «هل تشارک إسرائيل في حرب اليمن؟»، *قناة المیادین*، ٢٠١٩/٠٢/١٩.
١٩. سبوتیک، ٢٠٢٠م، «بالأرقام... حصيلة ٥ أعوام من الحرب على اليمن»، ٢٠٢٠/٠٤/٠٩.
٢٠. سریع القلم، محمود، ١٣٧٩، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازیابی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
٢١. السيد، عباس، ٢٠١٩م، «الدور الإسرائيلي في الأزمة والحرب على اليمن»، *صحيفة الثورة اليمنية*، ٢٠١٩/٠٣/٢٦.
٢٢. الشريینی، سهیر، ٢٠١٩م، «قراءة في: قرارات الأمم المتحدة في اليمن (٢٠١١ إلى ٢٠١٩)»، *مرکز الحكومة وبناء السلام*، ٦/٠٤/٢٠١٩.
٢٣. الشرجی، ادریس، ٢٠١٧م، «سلطري.. بين سيناريوهات النفوذ الناعم و مشاريع السيطرة العسكرية»، *صحيفة الثورة اليمنية*، ٢٢/٠٥/٢٠١٧.

۲۴. الصفاری، مطهر، ۲۰۲۰م، «جنوب و شرق اليمن: جغرافيا تتنازعها القوى الإقليمية»، مركز الفكر الاستراتيجي للدراسات، الرقم ۴۵، ۲۰۲۰/۰۲/۰۴.
۲۵. العريفی، مراد، ۲۰۱۹م، «الإمارات في اليمن: من دعم الشرعية إلى تعويض ملامح الدولة»، وكالة الأناضول التركية، ۲۰۱۹/۰۱/۰۸.
۲۶. عزيزی، مسعود، ۱۳۹۶، «بررسی علل ناکارآمدی سازمان ملل متعدد در بحران‌های اخیر غرب آسیا و درس‌های آن برای ایران»، یازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۲۷. القحطانی، بدر، ۲۰۱۹م، «طائرتي منزلی... و جولاتي الخليجية أثمرت»، جريدة الشرق الأوسط، ۲۰۱۹/۰۷/۱۱.
۲۸. قناة الجزيرة، ۲۰۱۲م، «اليمن يلغى اتفاقية تأجير ميناء عدن»، ۲۰۱۲/۰۸/۲۵.
۲۹. کشیشیان سیرکی، گارینه و سهیل سهیلی نجف آبادی، ۱۳۹۸، «بررسی بحران یمن: تحولات، ریشه‌ها، بازیگران و راهکارهای موجود برای اتمام بحران»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، ش ۴۶، ص ۱۸۷ - ۲۱۴.
۳۰. مرکز صنایع للدراسات الاستراتیجیة، ۲۰۱۹م، «جوع، دبلوماسیة، و أصدقاء لدودون: تقریر یمن السنوی ۲۰۱۸»، ۲۰۱۹/۰۱/۳۱.
۳۱. المسیرة، ۲۰۲۰م، «لدي وصوله صناعه.. غريفث يرفض توضیح مسببات عرقلة الجسر الطبی وفتح مطار صناعه»، ۲۰۲۰/۰۱/۲۳.
۳۲. موسی زاده، رضا، ۱۳۹۵، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، میزان.
۳۳. الموقع الرسمي لرئاسة الجمهورية اليمنية، ۲۰۱۳م، «اليمن و الصين يوقعان اتفاقية توسيع و تعميق محطة الحاويات بميناء عدن بتكلفة ۵۰۷ ملايين دولار»، ۲۰۱۳/۱۱/۱۴.
۳۴. الميدان، ۲۰۱۸م، «تراماً مع وصول الفريق الأممي.. التحالف يواصل خروقات وقف إطلاق النار في الحديدة»، ۲۰۱۸/۱۲/۲۴.
۳۵. ناصر، أفراح، ۲۰۱۷م، «فشل الأمم المتحدة المتزايد في اليمن»، مرکز رفیق الحریری للشرق الأوسط، المجلس الأطلنطي في واشنطن، ۲۰۱۷/۰۹/۲۲.
۳۶. نجات، سیدعلی و سیده راضیه موسوی و محمدرضا صارمی، ۱۳۹۵، «راہبرد عربستان و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، مطالعات روابط بین‌الملل، ۹، ش ۳۳، ص ۱۳۷ - ۱۳۹.
۳۷. النعيمي، راشد، ۲۰۱۸م، «عاصفة الحزم.. علامة فارقة في تاريخ اليمن و المنطقة»، جريدة الخليج الاماراتية، ۲۰۱۸/۰۸/۲۵.

۳۸. نوار، ابراهیم، ۲۰۱۹م، «الیمن: فی بطلان شرعیة القرار ۲۲۱۶»، صحفة القدس العربي، ۲۰۱۹/۰۹/۱۵.

۳۹. هوشی سادات، سید محمد، ۱۳۹۳، «روابط ایران و یمن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، دیپلماسی ایرانی،

.۱۳۹۳/۱۲/۲۸

۴۰. الیافعی، یاسر، ۲۰۱۹م، «مسلسل فشل الأمم المتحدة بالین بداعٌ من الاخضر الابراهیمی وحتى غریفیث و کامبرت»، موقع یافع نیوز، ۲۰۱۹/۰۲/۰۱.

۴۱. یورو نیوز، ۲۰۱۹م، «فی حال استمرار الحرب حتى العام ۲۰۲۲.. الیمن سیصبح أفقر بلد في العالم»، ۲۰۱۹/۱۰/۱۰.

42. WFP, 2019, “Yemen emergency”, available at:

<https://wfp.org/emergencies/yemen-emergency>

43. UN, 2011, “Security Council Resolutions”, available at:

[https://undocs.org/ar/S/RES/2014\(2011\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2014(2011))

44. UN, 2012, “Security Council Resolutions”, available at:

[https://undocs.org/ar/S/RES/2051\(2012\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2051(2012))

45. UN, 2014, “Security Council Resolutions”, available at:

[https://undocs.org/ar/S/RES/2140\(2014\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2140(2014))

46. UN, 2015, “Security Council Resolutions”, available at:

[https://undocs.org/ar/S/RES/2201\(2015\) & https://undocs.org/ar/S/RES/2204\(2015\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2201(2015) & https://undocs.org/ar/S/RES/2204(2015))

& [https://undocs.org/ar/S/RES/2216\(2015\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2216(2015))

47. UN, 2016, “Security Council Resolutions”, available at:

[https://undocs.org/ar/S/RES/2266\(2016\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2266(2016))

48. UN, 2017, “Security Council Resolutions”, available at:

[https://undocs.org/ar/S/RES/2342\(2017\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2342(2017))

49. UN, 2018, “Security Council Resolutions”, available at:

[https://undocs.org/ar/S/RES/2402\(2018\) & https://undocs.org/ar/S/RES/2451\(2018\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2402(2018) & https://undocs.org/ar/S/RES/2451(2018))

50. UN, 2019, “Security Council Resolutions”, available at:

[https://undocs.org/ar/S/RES/2452\(2019\) * https://undocs.org/ar/S/RES/2481\(2019\)](https://undocs.org/ar/S/RES/2452(2019) * https://undocs.org/ar/S/RES/2481(2019))

51. UN, a, “Chapter I: Purposes and Principles”, available at:

https://www.un.org/en/sections/un_charter/chapter_i/index.html.

52. UN, b, “Chapter VI: Pacific Settlement of Disputes”, available at:

https://www.un.org/en/sections/un_charter/chapter_vi/index.html

53. UN News, 2020, “Yemen resilient and ‘unscathed’ in face of latest Gulf crisis”, 2020/1/16.

54. OSESGY, 2018, “Full Text of the Stockholm Agreement”, 2018/1/13.

55. OSESGY, Security Council Resolutions, available at:

https://osesgy.unmissions.org/security_council_resolutions

56. Meggle, Georg, 2019, “Zur Rolle der UN beim Völkermord im Jemen”, Deutsches Online-Magazin Telepolis, 2019/1/6.

57. Al-Falahi, Ashraf, 2016, “Just how neutral is Oman in Yemen war?”, Al-Monitor, 2016/10/12.

58. Bandow, Doug, 2019, "U.S. Support Has Fueled, Not Moderated, the Yemen War", The National Interest , 2019/5/19.